

ساعت شنی

«آن» به کمک «هیت» می‌آید

■ «آن رامنی»، همسر «هیت رامنی»، وظیفه خطبری بر عهده دارد و آن نشان دادن چهره‌ای انسان‌دوستانه از این نامزد انتخاباتی است. «آن رامنی» باید تلاش کند چهره‌ای انسانی و مثبت از وی برای آمریکایی‌هایی که چندان رغبتی به او ندارند بسازد. «آن رامنی» در مصاحبه‌ای با «فاکس نیوز» می‌گوید: «ای کاش مردم از «هیت» همان شناختی را که من دارم پیدا کنند» «جان کینگ»، خبرنگار ارشد «سی‌ان‌ان»، معتقد است که هدف اصلی مراسم معرفی نشان دادن چهره‌ای متفاوت از «رامنی» به مردم است. او می‌گوید که مراسم معرفی این امکان را به حزب جمهوریخواه می‌دهد تا متن سخنرانی‌های اجلاس را و سواس بنویسد و نظر مردم را جلب کند.

دانشگاه، سکوی پرتاب «اوباما»

■ فصل مدارس و دانشگاه آغاز شد و این بار سناد انتخاباتی «باراک اوباما» در دانشگاه‌ها مستقر شده است تا نظر دانشجویان جوانی که از زمان انتخابات ۲۰۰۸ واجد شرایط رای دادن شده‌اند را جلب کند. «اوباما» در انتخابات دوره پیش نیز از حمایت دانشجویان برخوردار شد به طوری که می‌توان ادعا کرد که هواداری آنها از عوامل اصلی پیروزی «اوباما» در سال ۲۰۰۸ است. هیاکنون نیز نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که رییس‌جمهوری به پشتوانه حمایت این گروه از رای‌دهندگان از رقیب خود پیشی گرفته است.

آخرین خبر

■ خبرگزاری «بلومبرگ» نامزدهای انتخاباتی را متهم به سوءاستفاده از سخنان یکدیگر کرد. این خبرگزاری می‌نویسد: «هردو جناح مطالبی را بیان می‌کنند که با واقعیت همخوانی ندارند» از جمله این مطالب، سخنی است که «باراک اوباما» درباره صنایع و کارآفرینان گفته بود و ستاد انتخاباتی «رامنی» از آن سوءاستفاده کرد. جمله «اوباما»، «شما این صنعت را نساختید» توسط متجان قبل این‌طور معنی شد که رییس‌جمهوری سعی در بدنام کردن کارآفرینان دارد. ستاد «رامنی» اظهار می‌کند که منظور «اوباما» این است که کارآفرینان نقشی در بالا بردن صنعت ایالات متحده ندارند. «بلومبرگ» در ادامه به مفهوم اصلی سخن «اوباما» می‌پردازد و می‌نویسد: «رییس‌جمهوری آمریکا منظور سونی از این حرف ندارد. متن سخنرانی «اوباما» درباره این مساله منظور اصلی او را می‌رساند. او نمی‌خواهد کارآفرینان را بدنام و خوار کند، بلکه می‌خواهد خاطر نشان سازد که زمینه‌های تحصیلی و زیرسازی‌ای که دولت فراهم کرده یکی از دلایل پیشبرد صنایع موفق است.



گزارش

کلمبیا با «فارک» مذاکره می‌کند

■ شرق: پس از چندین دهه جنگ و خونریزی، دولت کلمبیا اعلام کرده است که برای برقراری صلح در این کشور آماده به مصالحه با گروه شورشی «فارک» است. «خوان مانوئل سانتوس»، رییس‌جمهوری کلمبیا، گفته است که برای یافتن راهی به سوی صلح، تلاش خواهد کرد. به گزارش رسانه‌های کلمبیایی، دودرط توافق قبلی بر فداتد که پای میز مذاکره بنشینند و راهی برای پایان جنگ‌های دیرینه پیدا کنند. نخستین دیدار آنها در شهر «سلو»، پایتخت نروژ در ماه اکتبر بر گزار خواهد شد و ادامه آن در «هوانا» پایتخت کوبا پیگیری خواهد شد. «سانتوس» در اظهارات خود بیان کرده است که از زمان استقرار کامل ارتش کلمبیا در خاک این کشور، عملیات نظامی ادامه خواهد یافت. شورشیان «فارک» با نام کامل «جبهه‌های مسلح انقلابی کلمبیا» در سال ۱۹۶۴ در این کشور شکل گرفتند. آنها به عنوان شاخه مسلح حزب کمونیست کلمبیا خود را معرفی کردند. شالوده ایدئولوژی آنها بر پایه عقاید مارکسیستی و ضد آمریکایی است و اعضای آن بیشتر از روستایان فقیر متشکل شده است. در دهه ۹۰ و انتشار فزایندهٔ مبنی بر فعالیت این گروه در قاجاق موادمخدر، «فارک» از حزب کمونیست خارج شد ولی به جنگ‌های چریکی خود ادامه داد. کلمبیایی‌کی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کوکائین است و گفته می‌شود که این گروه ۰۰۰میلیون دلار در سال از قاچاق این محصول به دست می‌آورد. آخرین تلاش‌ها برای گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز میان دولت کلمبیا و «فارک» در سال ۲۰۰۲ روی داد و آخرین آتش‌بس به سال ۱۹۸۴ بازمی‌گردد. این آتش‌بس شامل آزادی برخی از شبه‌نظامیان «فارک» از زندان‌ها بود. آتش‌بس در ۱۹۹۰ با کشته‌شدن هزاران شورشی «فارک» پایان یافت. به نظر می‌رسد که طی سال‌های اخیر این گروه، هم از نظر اندازه و هم از نظر قدرت، ضعیف شده است. در حال حاضر این باور وجود دارد که «فارک» دارای هشت‌هزار جنگجو است، در حالی که تا یک دهه پیش دارای ۱۶ هزار عضو بوده است. یکی از دلایل تضعیف «فارک» پشتیبانی امنیتی ایالات متحده از کلمبیاست. در سال‌های اخیر دولت کلمبیا توانسته برخی از اعضای ارشد این گروه را طی عملیاتی مسلحانه از بین ببرد. با وجود همه این ناکامی‌ها، «فارک» همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

کلید داستان‌های اسطوره‌ای از یونان باستان زده شد. وجه مشترک تمام آنها نیز نکات ظریفی است که به رفتارهای اجتماعی می‌پردازند. به عنوان مثال، ما از رهگذار داستان «لمس میداس»، پادشاهی که به هر آنچه دست می‌زد تبدیل به طلا می‌شد، دانستیم حرص و از چه معنایی دارد. همچنین در باب غرور می‌توان به افسانه ایکاروس اشاره کرد که با بال‌های مومی تا نزدیکی خورشید پرواز کرد و بال سوزاند و از بالا به زیر سقوط کرد. امروزه اما وقتی نویسندگان در مورد اسطوره می‌نویسند، صرفاً از معنای آن منظوری نثر نگونه و پیش‌یافتاده دارند. مفهومی نادرست که همگان فکر می‌کنند وارد وادی حقیقت شده‌اند، غافل از اینکه واقعیت چیز دیگری است. اکنون نیز انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده با داستان‌سرایی‌هایی مواجه شده است که می‌توان از باب اسطوره‌شناسی به آن بپردازیم. با توجه به نزدیک شدن انتخابات ۲۰۱۲ ریاست‌جمهوری ایالات متحده، استفاده نثرگونه از مفهوم اسطوره در نوشته‌ها و تحلیل‌ها افزایش یافته است. در اینجا می‌توان به برخی از این مقالات اشاره کرد: «پنج اسطوره درباره انگیزه اوباما»، «سه اسطوره مهم درباره سیستم‌درمانی»، «شنش اسطوره ویژه درباره سیستم‌درمانی» و در انتها، ۱۰ «اسطوره اساسی سیستم‌درمانی». همه‌ما علاقه‌مند هستیم که این نوشته‌ها ما را به نقطه‌ای روشن هدایت کند. اما این مقاله‌های تحلیلی به اندازه‌ای که ما تصور می‌کنیم با مخاطب و راست نیستند. این بسیار مهم است که خوانندگان بدانند چگونه مطالب ارائه شده را برای خود تفسیر کنند. به همین دلیل، من در این نوشته کوتاه سعی خواهم کرد از طریق تکنیک‌های «اسطوره‌شنختی» پرده از این داستان‌های سطحی بردارم. استفاده نثرگونه از واژه اسطوره در طول تاریخ انتخابات ایالات متحده همواره باعث گمراهی شده‌اند. چراکه هنگامی می‌توان از این واژه استفاده کرد که مساله مورد بحث اساساً احتیاج به تکذیب یا تایید داشته باشد. من این نکتا را به سه بخش اصلی تقسیم می‌کنم: اسطوره‌ها، اعلامیه‌های منطقی هستند که لزوماً واقعیت ندارند. در پاره‌ای از مواقع، نویسندگان مطالبی مطرح می‌کنند که در ظاهر منطقی و معقول به نظر می‌آیند اما با نگاهی عمیق‌تر به آنها دست آنها و می‌شود و به تکذیبی بودن‌شان بی می‌پریم، به جایی که می‌توان گفت این اظهارات از اساس دروغ هستند. در «پنج اسطوره درباره مراسم معرفی سیاسی نامزدهای ریاست‌جمهوری»، نویسنده به این می‌پردازد که چرا مراسم معرفی نامزدها حائز اهمیت است، در حالی که مردم فکر می‌کنند این کار، امری بی‌بهره است و آنها به‌رغم برگزاری این مراسم از مدت‌ها پیش تر



حمله به خودرو و سفیر

ایستنا: خودرو حامل «ویپجیرو نیوا»، سفیر ژاپن در چین مورد حمله یک مرد چینی قرار گرفت و این فرد پرچم نصب‌شده روی خودرو سفارت را تکه‌تکه کرد. این اقدام با واکنش شدید توکیو مواجه شد. این حمله پس از تظاهرات‌های گسترده ضد ژاپن در چین بر سر جزیره واقع مورد مناقشه دو کشور صورت گرفت.

فاجعه انسانی غزه در سال ۲۰۲۰

این امر در آینده با توجه به افزایش جمعیت در سال‌های آینده شهر غزه را به یک نقطه انفجار سوق خواهد داد. به گفته مسوول دفتر نمایندگی سازمان ملل در غزه بیش از ۸۰درصد از ساکنان این منطقه از کمک‌های سازمان ملل برخوردار هستند و تا چهار سال آینده منابع آبی زیرزمینی این شهر به پایان خواهد رسید. هشار سازمان ملل نسبت به وضعیت شهر غزه تا سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که جامعه جهانی در طول سال‌های اخیر نسبت به حل بحران ناشی از محاصره پنج‌ساله این شهر توسط رژیم صهیونیستی کاملاً بی‌توجه بوده‌است. شهر غزه که همواره در طول ۳۰سال اخیر به دلیل مقاومت مردم این شهر در برابر اشغالگران صهیونیستی مورد تهاجم گسترده این رژیم قرار داشته، با بی‌تفاوتی سازمان ملل و جامعه جهانی مواجه بوده. در طول محاصره پنج‌ساله این شهر و تکرار حملات هوایی اسرائیل علیه ساکنان این منطقه کم‌مساحت و پرجمعیت و نیز بسته شدن مرز رفح روی مردم فلسطین شرایط دشواری برای اهالی این شهر به وجود آورده است. هر چند از سوی برخی نهادهای مردمی و غیردولتی تلاش‌هایی برای شکستن محاصره شهر غزه صورت گرفته اما این تلاش‌ها با یک پشتوانه محکم بین‌المللی همراه نبوده. در ابعاد داخلی بروز اختلاف میان جنبش حماس و تشکیلات خودگردان فلسطین به افزایش تنش‌های داخلی و هدر رفتن نیروی انسانی در شهر غزه منجر شده و شرایط زندگی را برای اهالی این شهر دشوارتر کرده است. جامعه جهانی نیز به دلیل نفوذ لابی صهیونیستی در نهادهای تصمیم‌گیرنده بین‌المللی نهنتها به مسوولیت‌های خود در قبال ساکنان غزه عمل نکرده بلکه رژیم حسنی مبارک را به بستن مرز رفح تشویق کرد. در حال حاضر جمعیت ۱٫۵میلیون نفری شهر غزه که اکثریت آنان را نوجوانان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند با کمبود فضای آموزشی، تفریحی مواجه هستند و در سال ۲۰۲۰ که جمعیت شهر غزه به دو میلیون بالغ نفر خواهد شد نرخ بیکاری به بالاترین رشد خود در سطح جهان خواهد رسید. این عوامل که به نظر می‌رسد از سوی رژیم صهیونیستی بر مردم غزه تحمیل شده، بدون مشارکت جامعه جهانی، سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای قابل برطرف شدن نیستند زیرا عوامل بازدارنده

دختر معاون رییس‌جمهوری کوبا به آمریکا گریخت

اریابه‌شد از سوی رییس‌جمهوری کوبا دارد که توسط معاون او یعنی پدر دیاز باید اجرا شود. معاون رییس‌جمهوری کوبا که یک اقتصاددان است در کوبا به «سزار اصلاحات» شناخته می‌شود. کوبایی‌هایی که به آمریکا فرار می‌کنند، بر اساس سیاست «پای خیس، پای خشک» اگر از راه زمینی یا هوایی وارد آمریکا شوند اجازه دارند در این کشور بمانند، اما کسانی که از طریق دریا برورند به کوبا یا یک کشور ثالث فرستاده می‌شوند طبق سرشماری سال ۲۰۰۲، حدود ۱۰میلیون از افراد کوبایی تبار (حدود ۱۰ درصد جمعیت کنونی کوبا)، در آمریکاقامت دارند. بسیاری از این کوباییان برای رفتن به آمریکا راه دریا را پیش گرفتند و با استفاده از قایق و زورق‌های کوچک مسیر بین این دو کشور را طی کردند. در ششم آوریل ۱۹۸۰، حدود ۱۰ هزار کوبایی به سفارت پرو در هوانا، رفته و در خواست پناهندگی سیاسی کردند. طی چند روز بعد، دولت کوبا برای کوبایی‌هایی که از سفارت پرو در خواست پناهندگی کرده بودند مجوز مهاجرت صادر کرد.



اسطوره‌شکنی از اسطوره‌ها

ترجمه: گلناز فخاری

«اندرو شرلین» استاد جامعه‌شناس دانشگاه جان هابکینز در ایالت مریلند ایالات متحده است. او کتاب‌های بسیاری درباره سیاست‌های عمومی و رفاه عمومی منتشر کرده است. او

نامزدها/آنها دارند. «مارتین کوهن»، تحلیلگر «واشنگتن پست»، برای بهبود اعلام‌کردن این مراسم پنج دلیل اصلی برای این ادعای خود آورده است. ۱. این مراسم در انتها هیچ نتیجه مهمی ندارند. ۲. سخنرانی نامزد انتخاباتی مهم‌ترین بخش این مراسم است. ۳. گرافه‌گویی در این مراسم بی‌معنی است. ۴. نمایندگان اعزامی این مراسم نفرت اضافی هستند که فقط خرج سفر را بیشتر می‌کنند. ۵. در این مراسم هیچ اتفاق غیرمنتظره‌ای نمی‌افتد. در این راستا در پاراگراف نخست این مقاله خواننده به این جمله برخورد می‌کند:



زندان برای مخالف روسی

بی‌بی‌سی: تاپاسیا اوسپیبوا، یکی از فعالان مخالف دولت روسیه، به جرم حمل هروین به هشت سال حبس محکوم شد. این حکم دو برابر مجازاتی است که دادستان درخواست کرده بود. اوسپیبوا می‌گوید پس از آنکه او از شهادت علیه همسر خود، سرگئی فومینکوف، از رهبران جنبش روسیه دیگر، خودداری کرد، در خانه‌اش موادمخدر جاسازی شد.

که آن اسطوره سعی در تفهیم و تثبیت خود داشته است. بیابید نگاهی بیندازیم به یک مقاله که اخیراً چاپ شده است. در این مقاله تصویر غلطی از ستادهای انتخاباتی نشان داده شده است. نویسنده آن معتقد است که ستادهای انتخاباتی امروز به مراتب «ثقیف‌تر» از ستادهای پیشین خود عمل می‌کنند. نویسنده ادعا می‌کند: «هزینه‌ها و مسایلی که در این دوره ردوبدل می‌شود به مراتب مزورانه‌تر از هر دوره دیگری در تاریخ است.» با اینکه این مقاله فقط تا انتخابات ۲۰۰۴ پیش می‌رود، اما بهتر بود نگاهی هم به انتخابات سال ۱۸۸۴ می‌انداخت؛ انتخاباتی که در آن طرفداران «جیمز بلین»، یکی از نامزدهای انتخاباتی، «گرو-ر-کلینند» رقیب او را با طرح مسایل حیثیتی مورد نوازش قرار دادند و حتی شعارهای طعنه‌آمیزی نیز چاشنی انتخابات کردند. با این همه، ادعای نویسنده کاملاً نادرست است چراکه این امر باعث نمی‌شود ادهان عمومی در گیر اینکه پشت پرده انتخابات امروز چه می‌گذرد نشود. همین ادعا کافی است تا ما به‌طور مداوم به «زندگی» انتخابات امروز فکر کنیم. نویسندگان این مقالات، اطلاعاتی به دور از تعصب مطرح می‌کنند؛ طر ن‌گارش این گونه نوشته‌ها به گونه‌ای است که خواننده احساس می‌کند نویسنده سعی کرده است یک اعتقاد غلط را با اطلاعات غیرمتعصبانه و از نظر سیاسی بیطرفانه جایگزین کند. اما این نویسندگان برای بررسی تنها یک بعد از مسایل از این استدالات اسطوره‌ای استفاده می‌کنند. در مقاله «شنش اسطوره درباره سیستم‌درمانی»، «مارک میلر»، ستون‌نویس «رویترز»، اشکالات محافظه‌کارانه‌ای درباره سیستم‌درمانی گردآوری می‌کند و سپس او بعد روشنفکرانه همه آنها را رد می‌کند. او شش دلیل برای ادعای خود مطرح می‌کند: ۱. هزینه سیستم‌درمانی خارج از کنترل است، ۲. سیستم‌درمانی در واقع خدمات درمانی دولتی است. ۳. «اوباما» ۲۰۰میلیارد از هزینه‌های سیستم‌درمانی را کاهش داده است. ۴. دکترها این سیستم‌درمانی را به خاطر کاهش بودجه قبول نخواهند کرد. ۵. ثروتمندان از این مساله استفاده مجانی می‌برند. ۶. افزایش طول عمر افراد و افزایش سن افراد تحت کنترل سیستم‌درمانی، آن را از این بین می‌برد. «میلر» برای تک‌تک این مسایل دلایلی چند مطرح می‌سازد و آنها را نقض می‌کند. در انتها باید گفت اینکه مفسران بایداستدالات سیاسی متفاوتی مطرح کنند ایرادی نیست. اما اشکال کار اینجاست که مردم با خواندن این مطالب فکر می‌کنند آنها سعی دارند یک خدمت عمومی انجام دهند و این هم یکی دیگر از اسطوره‌های اشتباه جامعه است.



دیدار از خط مقدم

ایستنا: کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی بار دیگر از یک یگان نظامی خط مقدم کره‌شمالی بازدید کرد. کیم همچنین رزمایش نظامی سالانه در کره‌جنوبی را به عنوان آمادگی برای حمله خواند. کیم جونگ اون به این یگان دستور داده تا برای تلاش‌های دشمنان به منظور تجلوز به خاک کره‌شمالی آماده باشند.

حقانی، از گذشته پر تلاطم تا آینده مرموز

دارد حملات جدیدی را علیه بنیادگرایان صورت دهد. حالا گروهی از رهبران ارشد این گروه‌ها از داخل خاک پاکستان به افغانستان رفته‌اند. نیروهای آمریکایی نیز توانسته‌اند از این فرصت جابه‌جایی برای شکار چند نفر از رهبران ارشد آنان بهره ببرند. ظاهراً یکی از آنان «بدالدین حقانی» از رهبران ارشد شبکه حقانی و نفر دوم این گروه شبه‌نظامی بود. پس از حمله تاتو و آمریکا به افغانستان این شبکه عملیاتی را علیه نیروهای ناتو، آمریکا و دولت افغانستان سازمان‌دهی کرد. اولین رهبر این گروه «جلال‌الدین حقانی» از رهبران مجاهدین افغان بود. پس از او رهبری گروه حقانی، همچون یک ارت‌خواندگی به پسر ارشدش سرج‌الدین حقانی منتقل شد. هسته اولیه این شبکه در زمان سقوط دولت کمونیستی به صورت یک گروه سازمان‌یافته از «همجرمان و نایب‌انکاران» شکل گرفت و در طول چندین دهه جنگ در افغانستان به «آدم‌ریایی، اخاذی، قاچاق و حتی حمل و نقل» پرداخته است. شبکه حقانی بر نظام قبیله‌ای مبتنی است و رهبران این شبکه از قبیله «دران»، قوم پشتون ساکن ولایت پکتیا هستند. مولوی جلال‌الدین حقانی از متحان طالبان بود و پست‌هایی همچون فرماندهی طالبان در شمال کابل، وزیر مناطق مرزی و امور قبایلی را بر عهده داشت. اوج قدرت این گروه پس از اشغال افغانستان از سال گذشته نمایان شده به‌طوری که سه حمله عمده علیه منافع غرب و ناتو در افغانستان به انجام رسانده است. حمله همزمان به چند هدف مهم در شهر کابل، حمله به هتل «بنترن کنتیننتال» کابل، حمله به سفارت آمریکا در کابل و حمله به پایگاه «گرام» در افغانستان کمتر از دو هفته پس از انتشار خبر مرگ بن لادن به دست نیروهای ویژه آمریکایی، از جمله این حملات بودند؛ حملاتی که باعث افزایش فشار غرب بر پاکستان شد. به دنبال این فشارها، دولت پاکستان اعلام کرد قصد



نجات خدمه کشتی غرق‌شده چین در ساحل کره‌جنوبی

عکس: Reuters

درپچه

همسایه‌ها و میراث استعماری ژاپن

اردشیر زارعی قنواتی

■ تنش در حوزه اقیانوس آرام و دریای شرق چین، بین ژاپن و همسایگان این کشور بالا گرفته است و یکن، سئول، پیونگ یانگ و تایپه هر کدام با اشاره به جزایری که مدعای ارضی نسبت به آن دارند، توکیو را به ادامه سیاست‌های دوران امپراتوری میلیتاریستی خود متهم می‌کنند. ابتدا سفر «لی میونگ باک» رییس‌جمهوری کره‌جنوبی به جزیره «دوکدو» در ماه گذشته و تاکید او بر حق حاکمیت ملی کره بر این جزیره، خشم مقامات توکیو را برانگیخت و آنان همچنان بر حاکمیت خود بر این جزیره که در نزد ژاپنی‌ها «تاکه‌شیما» نامیده می‌شود، اصرار می‌ورزند. احضار سفیر کره‌جنوبی به وزارت امور خارجه ژاپن برای ابلاغ نابخشودی توکیو نسبت به این سفر نه‌تنها از دامنه تنش‌ها کم نکرد که حتی مقامات و افکارعمومی کره‌ای‌ها بیش از پیش بر حاکمیت ملی خود تمرکز کرده و در المپیک لندن یکی از ورزشکاران کره با بالا بردن پلاکاردی بر این قضیه تاکید دوباره کرد. به تازگی رزمه‌هایی نیز از سوی پیونگ یانگ شنیده می‌شود که آنان نیز بر حاکمیت ملی خود بر جزیره مورد مناقشه انگشت گذاشته‌اند و با توجه به رفتار خاص مقامات کره‌شمالی ورود آنان به جزیره می‌تواند وضع را از آنچه هست به مراتب پیچیده‌تر کند. تنش بین توکیو و همسایگان وقتی بالا گرفت و ابعاد فرامنطقه پیدا کرد که جنگ سرد چین – تایوان با این کشور بر سر جزایر «دایئو» و به قول ژاپنی‌ها «سنکاکائو» با سفر چند گروه مدنی ۲۰۱۰- هنگ‌کنگی در روز چهارشنبه ۱۵ آگوست چینی‌ها به جزایر و با دستگیری ۱۴ نفر از آنان توسط مرزبانان ژاپنی همراه شد. جزایر خالی از سکنه دایئو که از زمان باستان بخشی از قلمرو ارضی چین بوده است، در سال ۱۸۹۰ میلادی توسط امپراتوری متجاوز ژاپن اشغال درآمد و به امروز تحت تصرف آنان قرار دارد که همین امر همیشه اعتراض ارضی چین را به همراه داشته است. هر چند که چند روز بعد مقامات توکیو مجبور به آزادکردن این افراد شدند و در یک نمایش سازمان‌یافته یک گروه ملی گرا را برای برافراشتن پرچم ژاپن بر این جزیره با پوشش کامل رسانه‌ای رهسپار منطقه کردند اما معادله میراث استعمار امپراتوری ژاپن و ناخرسندی همسایگان همچنان به قوت خود باقی ماند. این بین ایالات متحده به‌عنوان یک عامل کلیم در جمع بازیگران حضور دارد که با توجه به اولویت‌های امنیتی این کشور که در راهبرد پنتاگون توسط «لئون پلنه‌تا» وزیر دفاع این کشور اعلام شده است، «در طرف ۱۰ سال آینده حوزه اقیانوس آرام بزرگ‌ترین اولویت ما بوده و ۶۰درصد از ناوگان دریایی خود را در این منطقه مستقر می‌کنیم.» نشان‌دهنده یک تنش در ابعاد بین‌المللی است. اینکه جنگ سرد ایدئولوژیک بین دو بلوک شرق و غرب پس از فروپاشی شوروی پایان یافت یک واقعیت نسبی است که هرگز ناقض این واقعیت عینی نیست که نوع جدیدی از جنگ سرد شروع شده که ریشه در ژئوپلیتیک منطقه، ژئواکونومی جهانی و مهم‌تر از همه استفاده از تنش‌های بیرونی جهت مدیریت درونی جهت تثبیت حاکمیت ملی خواهد داشت.

موج سراسری تظاهرات چینی‌ها در سرزمین مادری و هنگ‌کنگ گویای این واقعیت است که یکن (همچون موضوع حمل پرچم المپیک ۲۰۰۸ در سراسر اروپا که تجزیه‌طلبان تبتی را در مقابل فراموشی آن چینی قرار داد و امنیت درونی را بیمه کرد) در شرایط کنونی که واشنگتن تمرکز خود را بر مهار و اخلال در قدرت چین قرار داده است باز هم چین را برنده آزمون جزایر قرار خواهد داد. اینکه در این بین افکار عمومی تایوان نیز در کنار برادران چینی خود روحیه ضدژاپنی پیدا کرده و موقعیت توکیو و متحد فرامنطقه آن را بر باد داده چنینساز بازلی سیاسی – امنیتی اقیانوس آرام در وضعیت بغرنج و سخت‌تری قرار می‌دهد. پیوند خوردن تنش حول جزایر مورد ادعای چین، تایوان، کره‌شمالی و کره‌جنوبی در تقابل با میراث استعماری ژاپن و حمایت یکجانبه آمریکا از توکیو نه‌تنها محور رقیب یکن- پیونگ یانگ را در مقابل چین و کره جنوبی قرار می‌دهد که مسئول – تایپه را هم در چشم پازل منظر واشنگتن برای مقابله استراتژیک با چین بهم خواهد ریخت. هر چند که گفته می‌شود دلیل اصلی تنش موجود اثبات وجود ذخایر نفت گاز در جزیره دایئو است اما اصولاً برای چین هدف اصلی در این مناقشه بیشتر بر مبنای تقابل ژئوپلیتیک و ایجاد یک موازنه در روابط بلندمدت یکن – واشنگتن اولویت خواهد داشت. همچنین سیاستمداران زیرک چینی با راندن ژاپن به گوشه رنگ و ساخت یک پازل بدیل که همسایگان را در مقابل ژاپن قرار دهد، می‌تواند موجب تثبیت همزینی آنان و انزوای توکیو در منطقه مهم شرق آسیا تلقی شود که با توجه به رخدادهای اخیر در این مهم تا حدودی موفق عمل کرده‌اند. از طرف دیگر سلسله تظاهرات عمومی چینی‌ها در سرزمین مادری، هنگ‌کنگ و تایوان یک «پیهمانمه بدنه» است که آینده تمامیت ارضی این کشور را تضمین می‌کند و هم اینکه پیوند بین ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی را بیش از پیش مستحکم خواهد کرد. تنش کنونی بین چین و ژاپن بر سر جزایر مورد مناقشه با توجه به سیاست‌های کلان دو کشور و رفتار دیپلماتیک آنان تحت هیچ شرایطی به جنگ ختم نمی‌شود ولی این تنش در خدمت جنگ سرد منطقه کنونی است که متحدان بیشتری را پشت سر یک جمع کرده و افکار عمومی داخلی را نیز در حمایت از خود به عرصه وارد می‌کند.